



تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی بر تخریب جنگل‌های شمال ایران

ارسطو سعید^۱ و الهه مدنی مشائی^{۲*}

مقدمه

تحولی تکرارکننده را تا ابد می‌پیماید (کروری، ۱۳۹۳)، اما هر نوع بهره‌برداری که ناشی از سیاست‌های اقتصادی حاکم بر جامعه است، نه تنها در همان مرحله تاریخی بلکه تا ابدیت مسیر توده را تغییر می‌دهد و هرچه تحولات اقتصادی متلاطم‌تر باشد، اکوسیستم‌ها ضربات جبران ناپذیرتری را تحمل می‌کنند.

در این ارتباط، می‌توان ادوار تاریخی بهره‌برداری از جنگل‌های شمال را به هشت دوره متمایز تقسیم کرد:

۱. دوره بی‌خبری
۲. دوره واگذاری امتیازها
۳. دوره تمرکز قدرت
۴. دوره وابستگی نواستعماری
۵. دوره درآمدهای کلان نفتی و تسریع در بهره‌برداری
۶. دوره انقلاب اسلامی، نفی گذشته‌ها تا پایان جنگ تحمیلی
۷. دوره واگذاری
۸. دوره شبه‌بیداری

دوره بی‌خبری

تا یک دهه مانده به اول قرن چهاردهم هجری قمری، ایران بعد از نادر گویی به خوابی خوش فرو رفته است. در حالی که اروپا اولین گام‌های صنعتی شدن را پشت سر گذاشته و تولید کارگاهی جای خود را به تولید کارخانه‌ای می‌دهد، شاهان نگون‌بخت قاجار و نگون‌ساز ایران برای تطویل سلطنت خود به تحمیق مردم ادامه می‌دهند (اشرف، ۱۳۵۹؛ تیموری، ۱۳۶۳؛ مارکام، ۱۳۶۴). در این دوران، بهره‌برداری از جنگل‌های شمال به صورت سنت چند هزار ساله چرای دام در عرصه و استفاده از چوب برای سوخت، ساختمان و ابزار کشاورزی ادامه دارد. در نوشته‌های یکی از مستشرقین، صحبت از چوب‌هایی به میان می‌آید که از جنگل‌های شمال به کناره‌های خلیج فارس حمل شده بودند تا نادر شاه پایه‌های نیروی دریایی خود را بر آنها بنا نهد (حجازی، ۱۳۴۸).

سیاست را می‌توان به‌عنوان دورنمای عصاره تحولات اقتصادی بیان کرد. تحولات اقتصادی با خود پیامدهای اجتماعی به ارمغان می‌آورند و در کنش‌ها و واکنش‌های پیاپی باعث حرکت‌های اجتماعی می‌شوند. گرچه بسیاری از علمای علوم اجتماعی عمده این حرکات را ناشی از برهم‌کنش‌های درونی جامعه می‌دانند، اما هرچه ارتباطات بین جوامع افزون‌تر می‌شود، جامعه یگانگی بیشتری می‌یابد. در نتیجه تأثیرات متقابل، مفاهیم گذشته خود را از دست می‌دهند و به صورت قطب عمل می‌کنند. در تحولات اقتصادی، قطب-پیرامون به صورت یک واقعیت جهانی پدیدار می‌شود. حاصل تحول اقتصادی قطب-پیرامون، یکی از عوامل تأثیرگذار بر تخریب منابع طبیعی در درون کشورهای پیرامونی می‌شود (Amin, 1973).

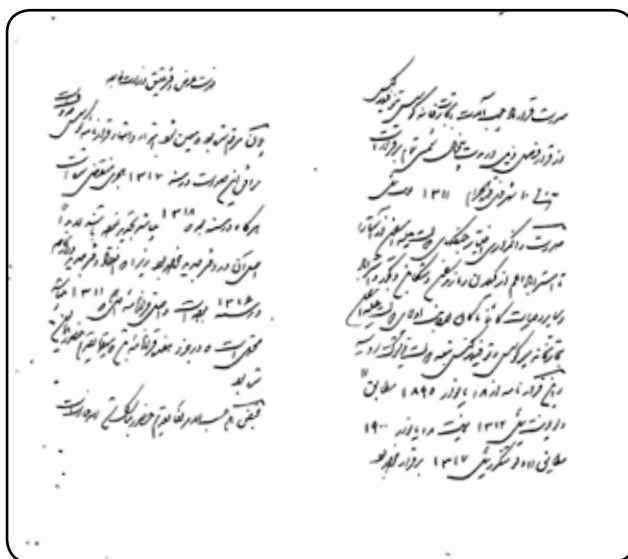
بهره‌برداری از منابع طبیعی ایران را در کمتر زمینه‌ای می‌توان یافت که همراه با تخریب نباشد و جنگل‌ها و به‌ویژه جنگل‌های شمال در این مورد مستثنی نیستند (ساعی، ۱۳۲۱؛ ملکی، ۱۳۶۷؛ سعید، ۱۳۷۶؛ جوانشیر، ۱۳۷۸؛ بوبک، ۱۳۸۴). سیاست‌های بهره‌برداری از جنگل، همانند هر نوع بهره‌برداری دیگر، جدا از تحولات اجتماعی، مفهومی ندارد. سازمان تولید برای بهره‌برداری از جنگل در هر برش تاریخی، تابعی از قوانین حاکم بر جامعه در آن دوره است. اشکال بهره‌برداری از جنگل که نشانه وضعیت اقتصادی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی هر زمانه است باعث تحولات متفاوت بعدی رویشگاه‌های طبیعی می‌شود و زمینه را از لحاظ طبیعی نیز برای تحولی غیر از آنچه می‌توانست باشد آماده می‌کند (Saeed, 1999). به بیانی ساده، اگر اکوسیستم‌های طبیعی به حال خود رها شوند، هر توده طبیعی،

۱- استاد گروه جنگل‌داری و اقتصاد جنگل، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، تهران، ایران
 ۲- نویسنده مسئول، کارشناس ارشد جنگل‌داری، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، تهران، ایران
 پست الکترونیک: elahe.madani@yahoo.com

خواهد داشت که آن اراضی را از دولت به قیمت متداوله بخرد. دولت ایران در منافع خالص این جنگل‌ها سالی صدی پانزده حق خواهد داشت.»

در این دوره تاریخی و به‌ویژه در نیمه اول قرن چهاردهم قمری (نیمه دوم قرن سیزدهم شمسی، اوایل قرن بیستم میلادی) امتیازهای مشابه دیگری به اتباع سایر کشورها از جمله روسیه، یونان و فرانسه در مورد بهره‌برداری از جنگل‌های شمال ایران داده شد (مدنی و همکاران، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۵). در اواخر این دوره

البته، نوشته‌های مستشرقین علاوه بر خیر دادن از منابع ثروت در مناطق مختلف کشور، سرمایه‌گذارانی را که در آن موقع برای تأمین مواد اولیه و جذب منافع اقتصادی کره زمین را درمی‌نوردیدند، به اهمیت و فور منابع طبیعی در استان گیلان و مازندران متوجه می‌سازد. همان طور که می‌توان تصور کرد انگلیسی‌ها پیش‌تاز شدند و اولین امتیاز بهره‌برداری از کلیه منابع ایران را به دست آوردند (کرزن، ۱۳۴۹؛ تیموری، ۱۳۶۳؛ بنان، ۱۳۷۰؛ Adle, 2005).



دولت بر اثر برخورد اتفاقی به آمار گمرکی متوجه فایده و اهمیت اقتصادی جنگل‌ها می‌شود (بنان، ۱۳۷۰).

دوره تمرکز قدرت

انقلاب مشروطیت، با هدف مهار هرج و مرج و سیاست‌های بنیان برانداز اقتصادی حاکم بر کشور در اواخر دوران سلطنت قاجار شکل گرفت که به‌علت فقدان یک برنامه منسجم، خود دچار هرج و مرجی شد که بعد از کش و قوس‌های متوالی سرانجام در آخرین روزهای اسفندماه سال ۱۲۹۹ رضاخان را براریکه قدرت نشاند (اکبری و واعظ، ۱۳۹۰؛ Kataouzian, 2004). در این زمان، در وزارت فوائد عامه، فلاح و تجارت وقت یک سازمان ابتدایی برای اداره جنگل‌های شمال به‌وجود آمد (جوانشیر، ۱۳۷۸؛ شامخی، ۱۳۸۸). وظیفه این سازمان عبارت بود از: الف- نقشه‌برداری از جنگل‌ها، ب- تفکیک جنگل‌های دولتی از شخصی و ج- تعیین جنگل‌های بکر و قابل استفاده از جنگل‌های مخروبه و بوته‌زار.

دوره واگذاری امتیازها

سرمایه‌داری نوپای انگلیس برای تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع خود از طریق کشف و تصاحب مناطق جدید، از پای درآوردن کشورهای مستقل و تحت‌الحمایگی کشورهای وابسته به اخذ امتیاز می‌پردازد (نعمانی، ۱۳۵۴؛ مارکام، ۱۳۶۴). در نتیجه، در ۲۵ ژوئیه ۱۸۷۲ میلادی (۱۲۵۱ ه.ش) طی قراردادی سند واگذاری ثروت‌های مملکت و از آن جمله، جنگل‌ها را به نام یک انگلیسی به نام «بارون جولیس رویتر» زدند (کرزن، ۱۳۶۴؛ Graham, 1978): «دولت ایران به حکم این قرارداد به اصحاب این امتیاز حق مخصوص و امتیاز انحصاری و قطعی می‌دهد که در مدت طول این امتیاز در جنگل‌های ایران کار بکنند و این جنگل‌ها را به‌کار بیندازد و از آنها تمتع بردارند- این نوع کار کردن و تحصیل تمتع کمپانی در جنگل‌های ایرانی به هر ترتیبی که باشد و بر هر زمینی که با امضای این قرارداد زراعت نشده باشد جایز و معمول خواهد بود- در جایی که کمپانی درخت‌های آنجا را بریده باشد، هر اراضی که دولت بخواهد بفروشد، کمپانی قبل از همه کس حق



قرار داشت. همزمان کشورهای خارجی نیز در صدد گرفتن امتیاز بهره‌برداری از جنگل‌های ایران بودند و مالکان خصوصی به افزایش سطح زمین‌های کشاورزی خود می‌پرداختند (Saeed, 1999). در این شرایط دام‌های مالکان نیز به چرای جنگل مشغول بودند.

دوره وابستگی نو استعماری

در شهریور ۱۳۲۰ با شروع جنگ جهانی دوم، منافع قدرت‌های جهانی دیگر احتیاج به دولتی که رضاشاه نماینده آن باشد، نداشت (اکبری و واعظ، ۱۳۸۸؛ Katouzian, 1987). نبود کنترل دولتی، هرج و مرج‌های ناشی از جنگ و وجود ارتش‌های بیگانه در خاک کشورمان باعث به‌وجود آمدن فضایی آزاد و متشنج شد (سوداگر، ۱۳۵۷؛ نجاتی، ۱۳۷۱؛ رزاقی، ۱۳۶۷).

نهیضت ملی شدن صنعت نفت، با خود تحرکی در نیروهای ملی به‌وجود آورد که بهره‌برداری همراه با حفاظت از منابع ملی بخش عظیم آن را تشکیل می‌داد. با کودتای ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲ دورانی از وابستگی نوع جدید در ایران شروع شد. الگوهای غربی بدون توجه به نیازهای داخلی نتیجه این دوران است (Katouziyan, 1999). در تیرماه سال ۱۳۳۸، قانون جنگل‌ها و مراتع کشور به تصویب مجلس شورای ملی رسید و «بنگاه جنگل‌ها» به «سازمان جنگلبانی» تبدیل و تهیه طرح‌های جنگل‌داری برای جنگل‌های شمال شروع شد (جزیره‌ای، ۱۳۸۴؛ شامخی، ۱۳۸۸).

بی‌شک تفکیک جنگل‌های مخروطی از بکر نه برای احیا بلکه برای احصاء مناطق قابل بهره‌برداری صورت گرفت. در اولین تصویب‌نامه هیئت دولت در مورد جنگل‌ها (سال ۱۳۰۳)، وزارت فوائد عامه، فلاحیت و تجارت ملزم به حفظ جنگل‌ها می‌شود (Saeed, 1999). اجازه قطع درختان صنعتی و غیرصنعتی تحت نظارت این وزارتخانه قرار می‌گیرد و صدور چوب به خارج از کشور نیز منوط به اجازه این وزارتخانه است. مهم این است که قطع درختان صنعتی در جنگل‌های اربابی نیز بدون اجازه وزارت فلاحیت ممنوع می‌شود (شامخی، ۱۳۸۸).

در سال ۱۳۲۱ هم‌زمان با تصویب «قانون راجع به جنگل‌ها»، نشانه‌گذاری با چکش به تصویب می‌رسد و در سال ۱۳۲۷ «بنگاه جنگل‌ها» برای اداره جنگل‌ها تشکیل می‌شود (جوانشیر، ۱۳۷۸). مشخصه عمده این دوره به‌وجود آوردن یک نظام اقتصادی متمرکز است که دولت رضاشاهی می‌باید تمام اهرم‌های آن را در دست داشته باشد و دولتی مقتدر در کشور به‌وجود آید که بتواند منافع قدرت‌های خارجی و اتباع داخلی آن را تأمین کند (سوداگر، ۱۳۵۷؛ رزاقی، ۱۳۶۴؛ نجاتی، ۱۳۷۱؛ Katouzian, 1987). در این دوران جنگل به‌عنوان یک منبع درآمد دولتی، مد نظر



کارخانه‌های مختلف صنایع چوب بخش خصوصی ارمغان این دوره است (سعید، ۱۳۸۵). تولید و عرضه زغال کم‌کم کاهش می‌یابد و فشار بر جنگل برای تولید زغال کم می‌شود. اما از طرف دیگر جنگل‌ها در حاشیه پایین دست به‌ویژه برای تبدیل اراضی زراعی و مسکونی مورد تعرض قرار می‌گیرند. این دوران باعث گسترش صنایع، افزایش تقاضا برای تمام محصولات و از آن جمله فرآورده‌های صنایع چوب و کاغذ شد. سیاست تبدیل اربابان به سرمایه‌داران نمود خود را در بهره‌برداری از جنگل نیز به نمایش می‌گذارد (سعید، ۱۳۷۶).

دوره درآمدهای کلان نفتی و تسریع در بهره‌برداری

در اکتبر ۱۹۷۳ قیمت نفت با یک جهش به چهار برابر افزایش می‌یابد و در پی آن سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف صنعت، بهداشت و مسکن نوید آینده‌ای روشن را فراروی تکنوکرات‌های دولتی قرار می‌دهد (نجاتی، ۱۳۶۱؛ رزاقی، ۱۳۶۷؛ Katouzian, 1987).

برنامه‌ریزی برای جنگل‌های شمال در قالب چهار قطب صنعتی برای استقرار صنایع مدنظر قرار گرفت و در این راستا قراردادهای متعددی با شرکت‌های مهندسی مشاور خارجی (کانادایی، فنلاندی و ...) برای بررسی و مطالعه وضعیت جنگل‌های شمال از طرف سازمان برنامه

جنگل نه به‌عنوان یک زیستگاه یا اکوسیستم بلکه به‌عنوان باغی خالی از مردم در نظر گرفته می‌شد که باید براساس فرمول‌های اختراع شده، سالانه به اندازه رویش + سرمایه موجود در مدتی مشخص در آن برش به عمل می‌آمد. در این سال‌ها تولید زغال عمده‌ترین محصول جنگل به‌شمار می‌رفت و حتی سازمان جنگلبانی هم در تولید زغال مشارکت داشت.

در این دوره، سال ۱۳۴۱ نقطه عطفی در تغییر سیاست‌های نظام حاکم به‌شمار می‌رود. دوران سرکوب خان‌خانی و سر بر آوردن یک بورژوازی نوپا در ایران با فرماندوم «شاه و ملت» شروع می‌شود و از سال ۱۳۴۲ با سرکوب جنبش ۱۳۳۹-۱۳۴۲ این طبقه فربه می‌شود (سوداگر ۱۳۵۷؛ رزاقی، ۱۳۶۸؛ Katouzian, 1999). جنگل‌ها ملی اعلام می‌شوند و بهره‌برداری از آنها در اختیار دولت قرار می‌گیرد (شامخی، ۱۳۸۸). این تحول در دو زمینه، از درون و بیرون جنگل‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سازمان جنگلبانی گسترش می‌یابد تا آنجا که در سال ۱۳۴۶ وزارت منابع طبیعی تأسیس می‌شود (شامخی، ۱۳۸۸). از بیرون تحولات اقتصادی و صنعتی باعث بالا رفتن درآمد دولت می‌شود و سرمایه‌گذاری صنعتی تشویق می‌شود (سوداگر، ۱۳۵۷؛ رزاقی، ۱۳۶۸؛ نجاتی، ۱۳۷۱) و اربابان دیروز به‌صورت سرمایه‌داران امروز همراه با تکنولوژی خارجی به سرمایه‌گذاری برای بهره‌برداری از جنگل و تبدیل چوب می‌پردازند. راه‌اندازی





سلطنتی شد و تغییری بنیادی در نگرش‌ها و دیدگاه‌های اقتصادی به وجود آورد. درهم ریختگی‌های طبیعی بعد از انقلاب، فقدان قدرت دولت نوپا و توجه بیش از حد به مسائل سیاست خارجی و شعارهای انقلابی گروه‌های مختلف و نبود مواد قانونی باعث شد که نه تنها اراضی سرمایه‌داران و مالکان بزرگ تصرف شود بلکه اراضی جنگلی نیز مورد هجوم عناصر سودجو و فرصت‌طلب قرار گیرد.

در اوایل این دوره، تمامی شرکت‌های خصوصی و خارجی خلع ید شده و بهره‌برداری به‌طور کلی دولتی اعلام شد. شکل جدیدی از مدیریت به نام تعاونی جنگل‌نشینان از سال ۱۳۶۵ پا به عرصه وجود گذاشت. صنعت گردشگری رونق خود را در منطقه شمال به‌طور کلی از دست داد؛ قیمت ارز خارجی با سرعتی سرسام‌آور قدرت خرید ریال را کاهش داد و کشاورزی و دامداری در جنگل (هم به لحاظ بالا رفتن قیمت محصول براساس تقاضای جمعیت رو به افزایش و هم بازگشت خیل عظیم پلاژداران و بیکاران صنعت از رونق افتاده گردشگری) دوباره رونق گرفت (Saeed, 1999).

در این دوره، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز رخ می‌دهد که اثرات جنگ بر بهره‌برداری از جنگل‌ها را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: الف- کاهش حجم سرمایه‌گذاری در امر احیا، بهره‌برداری و توسعه، ب- کاهش حجم سرمایه‌گذاری در توسعه

و بودجه منعقد شد. در این سال‌ها کارخانه‌های بزرگ صنایع چوب و کاغذ در ایران راه‌اندازی شد. می‌توان به جرأت گفت که در هیچ دوره‌ای چنین سرمایه‌گذاری عظیمی برای توسعه این صنایع انجام نشده است (دو مجتمع «چوکا» و «چوب و کاغذ مازندران» حاصل این دوره است). به لحاظ رونق اقتصادی افزایش دوباره بهای نفت، پایین بودن نرخ تبدیل ارز (نرخ تسعیر)، قیمت گوشت و محصولات دامی کاهش یافت و در نتیجه دامداری در جنگل از رونق افتاد (Saeed, 1999).

در همین دوره واگذاری سطح مهمی از اراضی ساحلی به کارگزاران رژیم، رونق روزافزون بازار داد و ستد اراضی ساحلی و تبدیل تدریجی برنجزارها و باغ‌های چای به مراکز مسکونی و مراکز جلب ایران‌گردی، تهاجم به اراضی جنگلی را بالا برد (سعید، ۱۳۷۶). سیاست‌های اقتصادی در این دوره در مورد بهره‌برداری از جنگل دو مصداق دارد که عبارتند از: الف- توسعه صنایع چوب و قطب‌های صنعتی در حاشیه مناطق جنگلی و واگذاری طرح‌های جنگلداری به این صنایع و ب- هجوم روستاییان و شهرنشینان حاشیه و داخل جنگل‌ها به اراضی جنگلی به‌منظور تصرف این اراضی و تغییر کاربری آنها.

دوره انقلاب اسلامی، نفی گذشته‌ها تا پایان جنگ تحمیلی

وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ موجب فروپاشی نظام

و تعمیر کارخانه‌های صنایع چوب موجود و ج- افزایش تولید زغال در جنگل.

دوره واگذاری

با قبول قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد از طرف ایران و پایان جنگ ایران و عراق، دوره جدیدی در تاریخ کشور آغاز شد که مشخصه‌های اصلی آن عبارتند از: الف- تسریع در فعالیت‌های عمرانی، ب- خصوصی‌سازی و ج- تعدیل اقتصادی.

بخش جنگلی نیز تحت تأثیر گرایش‌های اقتصادی مذکور تحولاتی را در تشکیلات و برنامه‌های خود پذیرفت. مهمترین تغییر تشکیلاتی سازمان، پیوستن آن به وزارت جهاد سازندگی و تبدیل دفتر آبخیزداری که جزء جدایی‌ناپذیر سازمان به‌شمار می‌رفت به یک معاونت مستقل در این وزارتخانه بود (شامخی، ۱۳۸۹).

واگذاری طرح‌ها به بخش خصوصی و تعاونی‌هایی که اساسنامه آنها تضاد کاملی با سایر بخش‌های تعاونی کشور داشت، عمق و گسترش بیشتری پیدا کرد. سازمان جنگل‌ها و مراتع چنان در نقش نظارتی فرو رفت که حتی تا به امروز هم مدیریت یک هکتار از جنگل‌هایی که صفت «ملی» را با خود یدک می‌کشند، در دست سازمانی که به این منظور ایجاد شده بود، قرار ندارد. در بیشتر مواقع حتی تهیه طرح‌های جنگلداری که هدفشان تولید مستمر و پایدار جنگل تعریف شده، به بخش خصوصی که در تناقض با این هدف است، واگذار شد. در سال ۱۳۷۴ یعنی پنج سال پس از به‌وجود آمدن تشکیلات جدید،

مدیریت در بخش خصوصی با ۲۳۷ درصد افزایش روبه‌رو شده است (سعید، ۱۳۷۶). یک بار دیگر جهت‌گیری مدیریت منابع طبیعی دستخوش تغییر سیاست‌های کلی اقتصادی نظام می‌شود؛ یعنی همان سیاست‌هایی که دوازده سال قبل وجود بخش خصوصی را حتی در یک وجب از پهنه گسترده منابع طبیعی کشور نمی‌پذیرفت، به یک‌باره اداره تمام منابع جنگلی شمال را به دیگرانی غیر از سازمانی که وظیفه اصلی آن حفظ، بهره‌برداری و توسعه جنگل‌ها تعریف شده بود، وا می‌گذارد. گرچه این امر موضوع این مقاله نیست اما مطالعات زیادی نشان می‌دهد که مدیریت خصوصی حداقل در جنگل‌های شمال کشور نه تنها مسئله سرمایه‌گذاری در این بخش اقتصادی را حل نکرد بلکه امروز به‌صورت معضلی درآمده که ثروت‌های ملی را به بخش‌های خاصی انتقال می‌دهد، نظارت‌ها را سست و تخریب را افزایش داده است.

دوره شبه‌بیداری

به دنبال بهره‌برداری‌های چوبی بی‌رویه، نبود امکان نظارت کافی بر مجریانی که بیشتر آنها قدرتی بیش از سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری داشتند و شکست طرح‌های خروج دام و جنگل‌نشینان از جنگل، دولت اصلاحات در آخرین سال‌های خود به تهیه و تصویب برنامه‌ای همت گماشت که نام آن را «برنامه جامع صیانت از جنگل‌های شمال کشور» گذاشت. در این تصویب‌نامه ضوابطی برای معیارها و استانداردهای زیست‌محیطی در طرح‌های مدیریت منابع طبیعی پیش‌بینی شده و قرار بود با تعیین حدود جنگل‌ها، سند تمام جنگل‌های شمال به نام دولت صادر شود. در ماده ۶ این تصویب‌نامه تمام عوامل تخریب به‌صورتی واضح بیان شده و از سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری می‌خواست که با نظارت سازمان حفاظت محیط زیست و تعیین بودجه از طریق سازمان برنامه و بودجه در جهت برطرف کردن این موانع که بیت‌الغزل آن خروج دام از جنگل بود اقدام کند. همچنین با کاهش تدریجی، بهره‌برداری مجاز چوب را به حد توان اکولوژیکی کاهش دهد.

قرار بود در مدت ۶ ماه، جنگل‌های مخروطه‌شناسایی و طی دو برنامه پنج ساله جنگل‌کاری شوند (بی‌نام، ۱۳۸۲). درست ۱۰ سال بعد (بعد از دولت نهم و دهم و چند ماه پس از روی کار آمدن دولت یازدهم)، این بار با نام «بهبودسازی پایش، حفظ و بهره‌برداری جنگل» به تقریب همان مصوبه پیشین با نگارشی جدید، بدون آنکه کسی از خود پرسد چرا تصویب‌نامه هیئت وزیران در سال ۱۳۸۲ به مرحله اجرا درنیامد، دوباره مصوب شد. تغییر عمده مصوب شده جدید، جایگزینی برداشت چوب حاصل از بهره‌برداری درختان آسیب‌دیده (شکسته، افتاده، ریشه‌کن و آفت‌زده) و

عملیات پرورشی، به‌جای توان اکولوژیک مذکور در مصوبه پیشین، است؛ این موضوع خود نشان از تخریب بیشتر این ذخایر چوبی و زنتیکی در ۱۰ سال گذشته دارد (بی‌نام، ۱۳۹۲). سرانجام در بهمن ۱۳۹۵، طرحی که به نام «تنفس یا استراحت جنگل‌ها» مشهور شده است توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. در این طرح تمام بهره‌برداری چوبی از جنگل‌های شمال از سال سوم برنامه ششم توسعه متوقف می‌شود؛ اما معلوم نیست مدیریت آتی جنگل‌ها بر چه مبنایی صورت خواهد پذیرفت.

بحث و نتیجه‌گیری

بهره‌برداری قبل از آنکه یک امر فنی باشد، برای یک هدف اقتصادی صورت می‌گیرد و بهره‌بردار سعی می‌کند در چارچوب گرایش‌های کلی حاکم بر نظام اقتصادی، فرایند برداشت را سازمان و سامان دهد. بنابراین اگر وابستگی محرز باشد، بهره‌برداری در



جهت منافع خارجی صورت می‌گیرد؛ اگر اقتدار دولتی در راستای منافع ملی باشد، در آن صورت نظارت‌ها و اجرای تعهدات به حداکثر خود می‌رسد و حداقل درآمد حاصل از جنگل‌ها توسط سازمان در خود جنگل‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود؛ و در نهایت، اگر سیاست‌ها در جهت منافع بخش خاصی از جامعه طراحی شده باشند، در این حالت این وضعیت بر مدیریت و بهره‌برداری از جنگل‌ها نیز سایه می‌افکند.

کلام آخر آن که، از ملی شدن صنعت نفت توسط مرحوم دکتر محمد مصدق حدود ۶۵ سال و از ملی شدن جنگل‌ها حدود ۵۵ سال می‌گذرد. حاکمیت به‌علت آنکه ملی شدن نفت باعث ایجاد درآمد آنی می‌شود، آن را به رسمیت می‌شناسد اما ملی شدن جنگل‌ها را به دلیل پنهان و آتی بودن درآمدهای آن، به‌سختی به رسمیت می‌شناسد. البته نباید نقش سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور و جنگل‌بانان دلسوخته و کارشناسان دلسوز آن را در تغییر سیاست‌های اعمال شده نادیده گرفت، اما نباید از نظر دور داشت که در یک کشور جهان سوم، سیاست‌ها عمدتاً از بالا به پایین دیکته می‌شوند و کارشناسان لای چرخ‌دنده‌های بوروکراسی اداری به جای آنکه استخوان خرد کنند، استخوان‌شان خرد می‌شود.

منابع

- اشرف، الف.، ۱۳۵۹. منابع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه. انتشارات زمینه، تهران، ۱۷۲ صفحه.
- اکبری، م.، و واعظ، ن.، ۱۳۸۸. بازخوانی نظری ماهیت دولت پهلوی اول. فصلنامه تاریخ ایران، ۲ (۵): ۱-۲۶.
- بنان، غ.، ۱۳۷۰. تاریخچه جنگلبانی در ایران. قسمت اول. مجله جنگل و مرتع، ۸: ۶-۹.
- بی‌نام، ۱۳۸۲. برنامه جامع صیانت از جنگل‌های شمال کشور (حفظ، نگهداری و توسعه جنگل‌های شمال). شماره ابلاغیه ۱۶۲۷۶ ت ۲۶۲۳۹، تاریخ تصویب ۱۳۸۲/۰۶/۰۵، تاریخ ابلاغیه ۱۳۸۲/۰۶/۲۴.
- بی‌نام، ۱۳۹۲. برنامه بهینه‌سازی پایش، حفظ، بهره‌برداری و مدیریت جنگل‌های کشور. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ابلاغیه ۱۶۰۳۳۲/ت/۴۱۰۷۴ ه. تاریخ تصویب ۱۳۹۲/۰۹/۲۷، تاریخ ابلاغیه ۱۳۹۲/۱۰-۱۶.
- تیموری، الف.، ۱۳۶۳. عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران. انتشارات اقبال، تهران، ۴۶۷ صفحه.
- جزیره‌ای، م.، ۱۳۸۴. نقش بیگانگان در جنگلداری ایران. دومین همایش ملی جنگلداری در ایران (سخنرانی کلیدی)، کرج، ۲-۴ اسفند، ۳-۳۷.
- جوانشیر، ک.، ۱۳۷۸. تاریخ علوم منابع طبیعی ایران. سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ۴۷۰ صفحه.
- حجازی، ر.، ۱۳۴۸. چوب‌شناسی و صنایع چوب. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چهار جلد، جلد اول، ۲۳۱ صفحه.
- ساعی، ک.، ۱۳۲۱. شمه‌ای درباره جنگل‌های ایران. وزارت کشاورزی، اداره جنگلبانی، تهران، ۷۶ صفحه.

سعید، الف.، ۱۳۷۶. نقش جنگل‌ها در اقتصاد ملی ایران. پروژه ملی با حمایت سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور. سعید، الف.، ۱۳۸۵. مبانی اقتصادی - عملی اداره جنگل‌ها. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۳۴۱ صفحه.

سوداگر، م.، ۱۳۵۷. رشد روابط سرمایه‌داری در ایران: دوره انتقالی ۱۳۴۴-۱۳۵۷. نشر پازند، مرکز تحقیقات سیاسی و اقتصادی تهران، ۸۶۴ صفحه.

شامخی، ت.، ۱۳۸۸. قوانین و مدیریت منابع طبیعی (جنگل‌ها و مراتع). انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۴۷۶ صفحه.

کرزن، ل.، ۱۳۴۹. ایران و قضیه ایران، (ترجمه). انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۸۲۸ صفحه.

سروری، س.، شیروانی، ش.، جلیل‌پور، ب.، طالبی خورآبادی، ط. و مدنی‌مشائی، الف.، ۱۳۹۲. اجرای مدیریت اقتصادی اجتماعی پایا بر مبنای حفظ اکوسیستم‌های طبیعی تجدیدشونده در جنگل‌ها و مراتع. مجله جنگل و مرتع، ۹۹: ۱۳-۲۶.

مارکام، ک.، ۱۳۶۴. تاریخ ایران در دوره قاجار (ترجمه). نشر فرهنگ آسمان، تهران، ۱۹۳ صفحه.

مدنی‌مشائی، الف.، شامخی، ت.، زرغام، ن.، جزیره‌ای، م. و اکبری، م.، ۱۳۹۳. اعطای امتیاز بهره‌برداری از جنگل‌های شمال به کمپانی روسی کوسیس توفیلاکتس و پیامدهای آن. مجله جنگل ایران، ۶ (۴): ۴۰۳-۴۱۷.

مدنی‌مشائی، الف.، شامخی، ت.، سعید، الف.، اکبری، م.، جزیره‌ای، م. و زرغام، ن.، ۱۳۹۵. جنگل‌های جلگه‌ای شمال ایران و بازرگانان فرانسوی در اوایل قرن بیستم. مجله جنگل ایران، ۸ (۳): ۳۳۳-۳۴۹.

ملکی، ح.، ۱۳۶۷. جنگل‌ها و گسترش کویرهای ایران در رابطه با جامعه و فساد دولت‌ها. چاپ مهارت، تهران، ۲۶۴ صفحه.

نعمانی، ف.، ۱۳۵۴. اقتصاد سیاسی توسعه‌نیافتگی و رشد، (تألیف و ترجمه). مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۲۶۵ صفحه.

نجاتی، غ.، ۱۳۷۱. تاریخ ۲۵ ساله ایران از کودتا تا انقلاب. انتشارات رسا، تهران، ۵۹۲ صفحه.

رزاقی، الف.، ۱۳۶۸. آشنایی با اقتصاد ایران. نشر نی، تهران، ۲۸۰ صفحه.

بوک، ه.، ۱۳۸۴. سیمای تاریخی جنگل‌های طبیعی و درخت‌زارهای ایران. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران، ۲۷۶ صفحه.

Adle, Ch., 2005. History of Civilizations of Central Asia: Towards the contemporary period: from the mid-nineteenth to the end of twentieth century. UNESCP Publication, Paris, 993 p.

Amin, S., 1973. Le développement inégal Essai sur les formations sociales du capitalisme périphérique. Paris Editions de Minuit, coll. "Grands documents, Paris, 384 p.

Graham, R., 1978. Iran the illusion of power. Croom Helm Publication, London, 228 p.

Katouzian, H., 1987. The Political Economy of Modern Iran. Despotism and Pseudo-Modernism, 1926-1979. Macmillan Press, London, 389 p.

Katouzian, H., 1999. Musaddiq and the struggle for power in Iran. I. B. Tauris and Co Ltd Publishers, London, 315 p.

Katouzian, H., 2004. State and Society under Reza Shah. In: Atabaki, T. and Zürcher, E. J. (eds.): Men of Order. Authoritarian Modernization under Ataturk and Reza Shah. (pp. 13-44). I.B.Tauris & Co Ltd Publication, London, 260 p.

Saeed, A., 1999. Standing timber in Iran: Outright sale or concession. Revue Forestière Française, 51 (5): 637-644.